



نام و نام خانوادگی:

زمان برگزاری: ۷۵ دقیقه



سید بهروز پرتوی

نام آزمون: ادبیات دوازدهم تشریحی (سری سوم)

تاریخ آزمون:

- ۱ در سرودهٔ «اما خنده‌ات که رها می‌شود / و پروازکنان در آسمان مرا می‌جوید / تمامی درهای زندگی را / به رویم می‌گشاید»، ترکیب «درهای زندگی»، یک اضافهٔ استعاری است یا تشبیهی؟
الف ترکیب «درهای زندگی»، یک اضافهٔ استعاری است یا تشبیهی؟
ب مفهوم کنایهٔ «در به روی کسی گشودن» را بنویسید.
- ۲ در هریک از موارد زیر، مفهوم بخش‌های مشخص شده را بنویسید.
الف در اواخر عمر با بنده مألوف بودند و کاسه کوزه یکی شده بودیم.
ب پشت دستم را داغ کردم که تا من باشم دیگر پیرامون ترفیع رتبه نگردم.
- ۳ در عبارت زیر، املائی درست واژه را از داخل کمانک انتخاب کنید.
الف صدایی که می‌آمد (هزین‌ترین / حزین‌ترین) و عاشقانه‌ترین صدایی بود که می‌آمد.
ب سیاوش چنین گفت که ای شهریار که دوزخ مرا زین سخن گشت (خار / خوار)
پ خوان هفتم را / / آن (هریوه / حریوه) خوب و پاک آیین روایت کرد /
ت با توجه به ابیات زیر، به پرسش‌های داده‌شده، پاسخ دهید.
- ۴ اگر خونین دلی از جور ایام لب خندان بیاور چون لب جام به آن کس می‌رسد زین گنج بسیار که باشد شادمانی را سزاوار
الف مفهوم نشانهٔ «ان» در واژهٔ «خندان» چیست؟
ب در بیت دوم جملهٔ «هسته (پایه)» و جملهٔ «وابسته (پیرو)» را مشخص کنید.
- ۵ اشعار و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید:
الف چوک ز شاخ درخت خویشتن آویخته زاغ سیه بر دو بال غالبه آمیخته
ب گم بود در عمیق زمین شانه ی بهار
پ آری اکنون تهمتن با رخس غیرت مند / در بُن این چاه آبش زهر شمشیر و سنان، گم بود.
ت بگرای چو اثردهای گرزه بخروش چو شیر شرزه ارغند
ث شیخ بوعلی بکشکست و با خویش رسید و داست که ترکی عظیم از وی در وجود آمد.
- ۶ معنی و مفهوم هریک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید.
الف نان را از من بگیر اگر می‌خواهی / هوا را از من بگیر، اما / خنده‌ات را نه
ب در دفتر زمانه فتد نامش از قلم هر ملّتی که مردم صاحب‌قلم نداشت
پ چنین است سوگند چرخ بلند که بر بی‌گناهان نیاید گزند
ت آن که او را شناسد، دوری او را تحمل نتواند کرد و آن که بدو رو آرد، بدو نتواند رسید.
ث شش دانگ حواسم پیش مصطفی است که نکند بوی غاز چنان مستش کند که دامنش از دست برود.



ج پرده ناموسِ بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای مُنگر نبرد.

۷

مفهوم هریک از کنایه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف این سال نو به شما مبارک باشد و هزار سال به این سال‌ها برسید.

ب دیدم ماشاءالله چشم بد دور، آقا وا ترقیده‌اند.

۸ معنی هر یک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید.

الف

برکن زبن این بنا که باید از ریشه بنای ظلم برکند

ب یک روز دنیایی به روم چشم داشت و از آن چشم می‌زد.

پ

هر کسی از ظنّ خود شد یار من از درون من نجست اسرار من

ت

با این نسیم سحرخیز، برخیز اگر جان سپردیم در باغ می‌ماند ای دوست گل یادگار من و تو

ث

بدان که که شد پیش کاووس باز فرود آمد از باره بردش نماز

ج

چون فرود آیی به وادی طلب پیشت آید هر زمانی صد تعب

۹ در بیت زیر، آرایه‌های «تشبیه، استعاره، پارادوکس، واج‌آرایی» را مشخص کنید.

«بعد از این، وادی عشق آید پدید غرق آتش شد کسی کانجا رسید»

۱۰ معنای واژه «همت» را در بیت‌های زیر بررسی کنید.

الف) همت اگر سلسله‌جنبان شود مور تواند که سلیمان شود (وحشی بافقی)

ب) همت بدرقه راه کن ای طایر قدس که دراز است ره مقصد و من نوسفرم (حافظ)

۱۱ «مشبه» و «مشبه‌به» را در عبارت زیر مشخص کنید.

«بهشت در برابر سیمرغ چون ذره در برابر خورشید است.»

۱۲ بیت زیر به کدام وادی اشاره دارد؟

«از من اثری نماند این عشق چیست؟ چون من همه معشوق شدم عاشق کیست؟»

۱۳ با توجه به مصرع اول بیت زیر مسندها را مشخص کنید.

«عاشق آن باشد که چون آتش بود گرم‌رو، سوزنده و سرکش بود»

۱۴ نام چهار آرایه بیت زیر را بنویسید.

کاووس کیانی که کی‌اش نام نهادند کی بود؟ کجا بود؟ کی‌اش نام نهادند؟

۱۵ معنی واژه مشخص شده را بنویسید.

خاطرات سفر مراجعه برای من تداعی شد.

۱۶ در بیت «نالۀ مرغ اسیر این همه بهر وطن است / مسلک مرغ گرفتار قفس همچو من است»، بین کدام کلمه‌ها تناسب واژه‌ای برقرار است؟

۱۷ در بیت زیر، نقش دستوری کدام واژه‌ها با نقش دستوری واژه قافیه یکی است؟

«ای دیو سپید پای در بند ای گنبد گیتی ای دماوند»

۱۸ خصوصیات چاهی را که شغاد برای کشتن رستم فراهم کرده است، بنویسید.

۱۹ با توجه به متن زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«گویند که بطی در آب روشنایی ستاره می‌دید. پنداشت که ماهی است؛ قصدی می‌کرد تا بگیرد و هیچ نمی‌یافت.»

الف کدام فرایندهای واجی و در کدام واژه‌ها دیده می‌شود؟



ب دو وابستهٔ پسین در متن بیابید و نوع آنها را بنویسید.

پ نقش واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

۲۰ معنی عبارت‌های زیر را به نثر ساده و روان بنویسید.

الف سپاس خورشید را که به هر بامداد بر سر تو زرافشانی می‌کند و ابر گوهر.

ب نه همین مهربانی را به مهر که پاداش هر زخمهٔ سنگی را دست‌های کریم تو میوه‌ای چند شیرین ایثار کند.

پ کرامت را از درختان میوه‌دار بیاموز.

ت

با این نسیم سحرخیز برخیز اگر جان سپردیم در باغ می‌ماند ای دوست گل یادگار من و تو

ث

دیروز اگر سوخت ای دوست غم برگ و بار من و تو امروز می‌آید از باغ بوی بهار من و تو

پاسخنامه تشریحی

۱

الف) اضافه استعاری

ب) یاری کردن، امیدوار ساختن

۲

الف) صمیمی شده بودیم.

ب) پشیمان شدن از کاری.

۳

الف) حزين‌ترین

ب) خوار

پ) هریوه

۴

الف) صفت فاعلی

ب) هسته (پایه): به آن کس می‌رسد زین گنج بسیار. وابسته (پیرو): که باشد شادمانی را سزاوار

۵

الف)

پرنده ی شباویز خودش را از شاخه ی درخت آویزان کرده است و زاغ سیاه گویی دو بال خود را با ماده ی سیاه رنگ و خوشبوی غالبه آغشته کرده است که بال هایش آنقدر سیاه شده است.

ب)

نشانه های آزادی و امید پیروزی در اعماق زمین پنهان بود.

پ)

آری اکنون رستم تنومند همراه با اسب غیرت‌مند خود (رخش)، در ته این چاه گرفتار شده بود چاهی که در آن به جای آب، زهر شمشیر و نیزه بود.

ت)

همانند ازدهای (مار) زهرآلود حمله ور شو مانند شیر خشمگین و قهرآلود بانگ و خروش برآور

ث)

شیخ بوعبدالله خفیف و خوار شد و به خود آمد و دریافت که بی احترامی بزرگی از او سرزده است.

۶

الف)

اگر غذا و هوا (خوردن و نفس کشیدن) را از من بگیری مهم نیست؛ شادی و خنده‌ات را از من نگیر.

ب)

در گذر روزگار ملتی که نویسنده و شاعر نداشته باشد، فراموش می‌شود.

پ)

آسمان (سرنوشت) سوگند خورده است که به بی‌گناهان آسیبی نمی‌رسد.

ت)

کسی که سیمرخ (خداوند) را بشناسد، نمی‌تواند دوری از او را تحمل کند و کسی که به او رو بیاورد، نمی‌تواند به او دست یابد.

ث)

همهٔ حواسم به مصطفی است که با بوی غاز از خود بی‌خود نشود و اختیارش را از دست ندهد.

ج)

خداوند آبروی بندگان را به خاطر گناه آشکار نمی‌برد و روزی مقدر کسی را به خاطر خطای زشت قطع نمی‌کند.

۷

الف)

آرزوی عمر طولانی کردن

ب)

پس‌روی کردن، تنزل کردن

۸

الف)

این ظلم حاکم را همچون خانه‌ای ویران کن؛ زیرا باید ظلم را از پایه و اساس از بین برد.

ب)

روزگاری همهٔ مردم دنیا به امپراتوری روم توجه داشتند و از آن حساب می‌بردند و اطاعت می‌کردند.

پ)

هر کسی از دیدگاه خودش با عارف همراه می‌شود و حال درون او را درک نمی‌کند.

ت)

با این انقلاب، تو هم به پا خیز که حتی اگر در این راه شهید هم شدیم، انقلاب و آزادی به عنوان یادگار ما در وطن باقی می‌ماند.

ث)

وقتی که پیش شاه کاووس رفت، از اسب پیاده شد و تعظیم کرد

ج)

وقتی در مرحلهٔ طلب (اولین مرحله) قدم بگذاری، رنج و سختی‌های زیادی در برابر تو ظاهر می‌شود.

۹

وادی عشق: تشبیه «عشق» مشبه، وادی: مشبه‌به،

آتش: استعاره از عشق



غرق آتش: استعاره (آتش مانند آبی است که انسان را غرق می‌کند).
مشبه مشبیه

مشبه به نیامده است؛ بنابراین این عبارت استعاره دارد.

غرق آتش: پارادوکس (غرق کردن، ویژگی آب است و آتش یا همان عشق، مانند آبی است که فرد را غرق می‌کند؛ بنابراین، چون ویژگی آب و آتش را یکجا جمع کرده است، پارادوکس است.)

واج آرایی: تکرار حروف «د» و «ش»

۱۰ الف) معنی واژه «همت»، در بیت «همت اگر سلسله‌جنبان شود / مور تواند که سلیمان شود»، «عزم و اراده» است. معنی بیت: اگر عزم و اراده شکل بگیرد حتی مورچه هم می‌تواند به مقام بالای حضرت سلیمان برسد.

ب) معنی واژه «همت»، در بیت «همت بدرقه راه کن ای طایر قدس / که دراز است ره مقصد و من نوسفرم»، «دعای خیر» و «توجه به خدا از صمیم قلب» است. معنی کل بیت: ای راهنمای من، در این راه، دعای خیر خود را همراه من کن؛ زیرا مسیر رسیدن به هدف طولانی است و من هم در سفر کم‌تجربه‌ام.

۱۱ «بهشت» و «سمرغ» مشبه و مشبه و «ذره» و «خورشید» مشبه به هستند.

«بهشت به ذره» و «سمرغ» به «خورشید» مانند شده است.

۱۲ وادی فناء فی‌الله (آخرین وادی)

۱۳ در جمله اول، «عاشق» مسند است. آن کسی عاشق است که ...

در جمله دوم، «چون آتش» مسند است، مسند (از جنس متمم).

در ظاهر، «آتش» بعد از حرف اضافه «چون» به کار رفته است اما با توجه به نوع فعل جمله، «چون آتش» مسند است.

«چون» اگر به معنی مثل و مانند باشد، (حرف اضافه) ادات تشبیه محسوب می‌شود.

۱۴ ۱. واج آرایی «ک»

۲. تلمیح به کیکاووس پادشاه کیانی

۳. جناس تام بین: کی به معنی پادشاه با کی به معنی چه زمانی؟

۴. ایهام در کلمه «کی» (دومین کی): ۱. پادشاه بود. ۲. چه زمانی بود؟

۱۵ یادآوری، به خاطر آوردن

۱۶ بیت واژه‌های «مرغ، گرفتار، قفس» و «اسیر، گرفتار، قفس» تناسب واژه‌ای برقرار است.

۱۷ واژه «دماوند» قافیه است و نقش دستوری «منادا» را دارد که با واژه‌های «دیو» و «گنبد»، نقش دستوری یکسان دارد.

۱۸ چاهی عمیق و وسیع که در کف و دیواره‌هایش نیزه و خنجر کاشته شده است.

۱۹

الف) فرایند افزایش ← روشنا + ی ← روشنایی / گو + نَند ← گویند

نمی‌یافت ← ابدال در مصوت (پیشوند منفی‌ساز باید با اعراب فتنه باشد؛ ولی در ماضی استمراری به کسره تبدیل می‌شود).

پنداشت و است: فرایند واجی کاهش دارد (واج «ت» تلفظ نمی‌شود).

ب «ی» نکره در واژه‌های «بطی و قصدی» / ستاره: مضاف‌الیه

پ آب: متمم / روشنایی: مفعول / هیچ: مفعول

۲۰

الف) از خورشید که به هر صبحگاه بر همه نور می‌افشاند و از ابر که باران رحمت را مثل گوهر می‌ریزد سپاسگزاری کن.

ب نه اینکه در مقابل مهربانی محبت کنی، بلکه در مقابل هر بدی و بد رفتاری هم بخشندگی کنی.

پ بخشش و بخشندگی را از درختان میوه‌دار یاد بگیر.

ت اگر همراه نسیم سحرخیز انقلاب به شهادت رسیدیم، نیکی نصیب ما شده بدان که در این دنیا نیکی‌ها از ما یادگار می‌ماند.

ث ای دوست اگر دوران استبداد و غم و خفقان توشه آرزوهای ما را به باد داد، امروز (دوران انقلاب) از وطن بوی آزادی می‌آید.